

# تشریح

شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۲  
۷ ذی الحجه ۱۴۳۴  
۱۲ اکتبر ۲۰۱۳

## به حسین (ع) سلام کن؛

# سرزمین عرفان

مقاله

### صحرائی روبه بهشت

هر چه به این دل از صاحب دور افتاده التماس می کنم، گوش نمی کند، که نمی کند، چیزی نزدیک سه هزار کیلومتر از همه فاصله گرفتم، شاید در سایه فاصله ها لختی به آرامش نشیند. اما تمام فاصله ها را با اماها و اگرها و بایدها و نبایدها پر کرده است و از سر صبح تا به شام در و دیوارش را با چرک و چروک زینت می کند، ... دیشب او را حرم بردم تا شاید کمی میان من و او نمکین یا عسلین شود، اما هر چه کردم از درهای حرم جلوتر نیامد که نیامد، با او لج کردم و پاهایم از غصه کفشها را گذاشت و با عجله به حرم وارد شدم ولی چه کنم که همین عجله کار دستم داد و ناچاراً با همان عجله بادهستی کلاه بافتم و با دست دیگر بر سر گذاشتم.

ادامه در صفحه ۲

دیدار «بیت الله» و مسجد و مرقد رسول الله (ص)، صفابخش جان و امیدبخش دل و روشنگر دیده است. مکه و مدینه، تاریخ مجسم مکتب است. هر گوشه این دیار و هر سنگ این بیت، هر رواق این حرم و هر شبستان این حریم، خاطره انگیز است و سرگذشتها و ماجراها و درسها، رمزها و عبرتها دارد.

ادامه در صفحه ۲







## صحرائی رو به بهشت

ادامه از صفحه ۱

چه کلاه گشادی بود، تا نزدیک چانه ام را در خود گرفت و چشم جایی را ندید جز آنکه در لابه لای الیاف کلاه زرق و برق می دیدم و به جای شنیدن تکبیر گوشم پر از فریاد آگهی مزایده و مناقصه شد!

دلم می کشید و می برد و حرم می خواست و من می گریختم، دو ساعتی را که فلج حرم بودم، یا صبحانه می خوردم یا شام، یا در صف اتوبوس مسیر و آسانسور هتل در حال طعنه زدن به رفتارهای غیر مدرن همسفرهایم بودم خوشمزه این بود که آنها هم حال و وضعشان مثل خودم بود و با کمی تفاوت همان طعنه هارابه من می زدند و برای اینکه عاقبت مجلس هم ختم به خیر شود یا چایی دم می کردیم، برای هم نوشابه خنک باز می کردیم!

... مگر خواب مرا به ثبات می رساند و مرگ روز مرا سوگوار این زندگانی در هم می کرد. شب از نیمه گذشته و گوینده رادیو با اعلام ساعت ۲۴ گفت اینجا تهران است صدای جمهوری اسلامی ایران خنده ام گرفت و من هم گفتم اینجا مکه است صدای حاجی بیت الله الحرام!! هر دوی ما بخشی از راست و دروغ را در هم آمیخته بودیم. هم او در تهران بود و هم من در مکه، هم او به جمهوری اسلامی جفا می کرد و هم من به حج و حاجی ریشخند می زدم. اما راستی .. راستی اینجا مکه است، صدا صدای حج، و امیر الحاج در همین نزدیکی هاست و تکبیرش رساتر از اذان ابراهیم است. ... کمی به خود آمدم دست دلم را گرفتم و گفتم: اینجا شهر خودمان نیست، ما اینجا غربیه ایم، غربیه ای از دیار آشناترین آشناها، اینجا فاصله زمین و آسمان از همه جا کمتر است، و کم را زیاد می خرد و زیاد را کم به حساب می آورند. اینجا ایستگاه ملکوت و فرودگاه اهالی لاهوت است، ای دل بیا کمی مدارا کن، کار پر خطر است و شیطان هم جز در سر صحنه ای قنوت نمی نشیند و جز با آبروی حاجی افطار نمی کند... من گفتم و دل شنید و دست بر گردن هم یتیمانه گریستیم، هنوز حق حق، بلند نشده بود که قطعه ای آهنگین در گریه ها پیچید و نسیمی مهربان هر دوی ما را در آغوش کشید و قبل از آنکه پلکی بر هم زنیه گفت: چند روز دیگر عرفات، صحرائی رو به بهشت و بیابانی بیگانه از سیاهی هاست. یک العفو و یک تکبیر کار هزار سال عبادت را می کند. از قافله جانمانی تا حرم یک لیبیک فاصله است.

## سرزمین عرفان

ادامه از صفحه ۱

مگر می توان «کعبه» را بر زبان آورد و از «ابراهیم خلیل الرحمن» نگفت؟ مگر می شود زمزم را دید و به یاد «اسماعیل» نیفتاد؟ مگر نام صفا و مروه، جدا از یاد «هاجر» تواند بود؟

و حالا به عرفات می رسی که بیابان نیست و دریای معرفت است. آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید. زنهار که تو اگر چون شبلی باشی و از این دریا به معرفت خالق نرسیده باشی، اصلا حج نگزارده ای.

از عرفات تا مشعر و منی، شریان های معرفت و شعور و آرزو را گره می زنی. ایستگاه به ایستگاه از «خانه» دور می شوی و به «صاحبخانه» نزدیک می شوی و پس از تولد دوباره به خانه هبوط می کنی... «عرفات» صحنه شورانگیز مناجات عاشقانه

حسین (علیه السلام) را با خداوند، در دامنه «جبل الرحمه»؛ کوه رحمت به ذهن می آورد و «منا» خاطره قربانی شدن اسماعیل به دست ابراهیم را.

چه بهتر که در عرفات با حسین (ع) همنا شوی و از حنجر خشک و خون آلود فرزند رسول الله (ص) حضورت را در اینجا نجوا کنی. «ای حسین، تو در این دشت، چه خواندی که هنوز، سنگ های کوه رحمت از گریه تو گریانند؟ در دعای عرفه، تو چه گفتی و چه خواندی، که هنوز تب عرفان تو در پهنه این دشت، به جاست؟ پهندهشت عرفات، به عطر تو وادی «معرفت» است. و به وادی شعر و شعور، مشعر، وصل است. ای حسین جان این دشت از نام تو عرفان دارد، روز با تو نفس می کشد و شب، از یاد تو به ملکوت پیوند می خورد. آسمان، رنگ خدایی دارد و بیش از همیشه به زمین نزدیک است. ای حسین، ای زلال ایمان، ای مرد عرفان و قیام، در دعای عرفات، تو چه خواندی، تو چه گفتی که امروز زیر هر خیمه گرم، یا که در سایه هر سنگ بزرگ، یا که در دامن کوه، حاجیان با تو در نغمه و

در زمزمه اند، گریانند؟!»

عرفات، صحرائ عرفان است و دعای معروف امام حسین (علیه السلام) در این روز، و نیایش عرفه امام زین العابدین (علیه السلام) در زمزمه عاشقانه حجاج، در زیر چادرهای گرم، در دشت سوزان عرفات، شنیده می شود. اشکها جاری و دلها شکسته است. نماز و دعا و نیایش و گریه، از ظهر عرفه تا غروب آن روز، محشر به پا می کند و آنگاه روانه مشعرت می کند. هر کس به حال خویش می اندیشد و قیامت را در نظر خود محشم کرده و به یاد می آورد. عده ای هم با اشتیاق، گمشده خود را می جویند. عاشقان دیدار «مهدی» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می دانند که در عصر روز عرفه، حتما امامشان در عرفات است. و این عشق مگر قابل توصیف است؟

از کجا معلوم که بعضی از این حاجیان دلسوخته و دل شکسته، «او» را ندیده باشند؟! و تو اگر تشنه دیدار باشی، و عطش عشق چشیده باشی، از کجا که به «لقای دوست» نرسی؟ مطمئن باش که در کوی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فیض دیدار، نصیب دیده های پاک و قلب های خاضع است.

### در کوی ما، شکسته دلی می خردند و بس

### بازار خود فروشی از آن سوی دیگر است

تنگ غروب نهم ذیحجه و در این صحرائ عرفان، عطر حضور حضرتش را می توان بوئید. اما همه دنبال پاسخ این سوالند که «مهدی»، در خیمه دل چه کسی اقامت گزیده است؟ توفیق دیدار، سهم کدامین حاجی خوشبخت امسال گشته است؟ اینجا، هر سوی این دشت، آثاری از رد پای «مهدی» است. از «عرفات» که پا به بیرون می گذاریم، همه جا عرفات است... همه جا مشعر و منا است. همه جا حرم است و منطقه احرام!

دیدارت با خدا، با پیامبر (ص)، با حسین (ع) و با مهدی (عج) مبارک. به سرزمین آرزوها وارد شو...



ویژه نامه نشریه زائر ■ بعثه مقام معظم رهبری

## رازهای سرزمین عرفات

# دعا کن

# بخشیده

# می شوی

(معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۷) از مجموع آنچه گفته شد شاید بتوان گفت اعتراف به گناه که در وجه تسمیه دوم و سوم آمده و امام صادق (علیه السلام) نیز مهر تأیید بر آن نهاده اند، بهترین دلیل نامگذاری این سرزمین مقدس به عرفات است.

### سرزمین آموزش و پذیرش دعا

این سرزمین جایگاهی است که پیامبران؛ از آدم گرفته تا نبی خاتم محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله وسلم) و از اوصیای آن حضرت؛ علی بن ابی طالب تا مهدی موعود (علیهم السلام) در آنجا حضور داشته و دارند، و شیوه دعا کردن و بهره برداری از چنین روز ارزشمندی را به دیگران و بخصوص پیروانشان آموخته اند.

در روایات درباره آموزش گناهان در عرفات، به حدی سخن گفته اند که همراه با شنیدن نام عرفه و عرفات، مغفرت و رحمت الهی در ذهن ها متجلی می شود. علی (علیه السلام) فرمود: آن گاه که در حجة الوداع، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) حج گزارد، در عرفات وقوف کرد، سپس رو به مردم کرده، سه مرتبه فرمود: خوش آمدید فرستادگان خداوند، کسانی که اگر درخواست کنند به آنان عطا شود و فردای قیامت در پاداش هر درهم یک هزار حسنه، دریافت دارند. سپس فرمود: ای مردم آیا بشارتتان ندهم؟ گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: هنگامی که غروب این روز (عرفه) فرا رسد، خداوند در برابر ملائکه به وقوف کنندگان در عرفات مباحث کرده، می فرماید:

فرشتگان من! به بندگان و کنیزان من بنگرید که از گوشه و کنار زمین، ژولیده موی و غبار آلوده، بسوی من آمده اند، آیا می دانید چه می خواهند؟ فرشتگان گویند: پروردگارا! از شما آموزش گناهانشان را می طلبند.

خداوند فرماید: شما را به شهادت می گیرم، همانا من اینها را آمرزیدم. پس از مکانی که در آن وقوف کرده اید، آمرزیده و پاک باز گردید.

علی (علیه السلام) فرمود: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) سؤال شد: کدام یک از عرفاتیان گناهکارترین اند؟ فرمود: کسانی که از عرفات باز می گردند و گمان می کنند خدا آنان را بخشیده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: برخی گناهان است که جز در عرفات بخشیده نشود.

در فاصله حدود ۲۱ کیلومتری شهر مکه، سرزمین مقدسی است با پیشینه تاریخی دیرینه که نامش عرفات است. حاجیان پس از پوشیدن لباس احرام، برای انجام حج تمتع، راهی آنجا شده و از ظهر روز نهم ذیحجه تا غروب آفتاب، در این سرزمین وقوف می کنند و به دعا و نیایش می پردازند تا خدای رحمان، به آنها رحمت آورده بار دیگر اجازه ورود به حرم را به آنان عطا نماید.

### نامگذاری عرفات

عَرَفَات، از ریشه عَرَفَ گرفته شده و به گفته راغب: بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبّر است. در این که چرا عرفات را بدین اسم خوانده اند، اختلاف نظر وجود دارد:

۱ - برخی گفته اند: آدم و حوا پس از رانده شدن از بهشت و فرود آمدن بر زمین، در این سرزمین یکدیگر را ملاقات نموده، همدیگر را شناختند؛ از این رو آنجا را عرفات نامیده اند. (معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۷)

۲ - گروهی دیگر عقیده دارند: از آن رو این سرزمین را عرفات گویند که مردم در آن به گناهان خود اعتراف می کنند. (همان)

۳ - امام صادق (علیه السلام) پس از بیان ماجرای فرود آمدن آدم (علیه السلام) در عرفات و همراهی نمودن جبرئیل با ایشان، فرمودند:

جبرئیل به آدم گفت: هنگامی که خورشید غروب کرد، هفت مرتبه به گناه خود اعتراف کن و هفت مرتبه نیز توبه و طلب آموزش نما. و آدم چنین کرد، پس آنجا عرفات نامیده شد؛ زیرا آدم در آن، به گناه خود اعتراف نمود و برای فرزندان او نیز سنت شد که [در این سرزمین] به گناهان خود اعتراف کرده، از خداوند آموزش بخواهند، همانگونه که آدم چنان کرد... (مستدرک، ج ۱۰، باب ۱۴)

۴ - دیگری گفته است: از آن جهت که حاجیان در این سرزمین با یکدیگر آشنا می شوند، این روز را روز عرفه و این سرزمین را عرفات نام نهاده اند. (احکام حج و اسرار آن، ص ۲۳۷)

۵ - و سرانجام گفته اند: چون جبرئیل مناسک حج را به ابراهیم خلیل الرحمان آموخت و وی را نسبت به عرفه آگاه ساخت، آن گاه به او گفت: اَعْرِفْتَ؟ و ابراهیم پاسخ داد: آری. از این رو آنجا را عرفات نامیده اند.



ویژه نامه نشریه زائر ■ بعثه مقام معظم رهبری

## عرفه چیست؟

(ع) در برابر او می فرمود: عَرَفْتُ، عَرَفْتُ (شناختم، شناختم).

### پیامبر خاتم (ص) در عرفات

دامنه کوه عرفات در زمان صدر اسلام، کلاس صحرايي پیامبر اسلام (ص) بود و بنا به گفته برخی مفسرین آخرین سوره قرآن در صحرای عرفات بر پیغمبر (ص) نازل شد و پیغمبر آنرا به مردم و شاگردانش تعلیم فرمود.

رسول گرامی اسلام (ص) در چنین روزی سخنان تاریخی خود را در اجتماع عظیم و باشکوه حجاج بیان داشت:

... ای مردم سخنان مرا بشنوید! شاید دیگر شما را در این مکان ملاقات نکنم. شما به زودی بسوی خدا باز می گردید. در آن جهان به اعمال نیک و بد شما رسیدگی می شود. به شما توصیه می کنم هر کس امانتی نزد اوست به صاحبش برگرداند.

ای مردم بدانید ربا در آئین اسلام، حرام است. از پیروی شیطان بپرهیزید. به شما سفارش می کنم که به زنان نیکی کنید زیرا آنها امانتهای الهی در دست شما هستند و با قوانین الهی بر شما حلال شده اند.

... من در میان شما دو چیز به یادگار می گذارم که اگر به آن دو چنگ زبید گمراه نمی شوید، یکی کتاب خدا و دیگری سنت و (عترت) من است.

هر مسلمانی با مسلمان دیگر برادر است و همه مسلمانان جهان با یکدیگر برادرند و چیزی از اموال مسلمانان بر مسلمانی حلال نیست مگر اینکه آنرا به رضایت به دست آورده باشد...

به درگاه خدا توبه کن و بسوی او بازگرد. - چگونه؟

جبرئیل در روز هشتم ذیحجه آدم را به منی برد، آدم شب را در آنجا ماند و صبحگاهان عازم صحرای عرفات شد. جبرئیل هنگام خروج از مکه، احرام بستن و لبیک گفتن را به او آموخت و چون عصر روز عرفه فرا رسید، آدم را به غسل فرا خواند و پس از نماز عصر، او را به وقوف در عرفات دعوت کرد و کلماتی را که از پروردگار دریافت کرده بود به وی تعلیم داد، این کلمات عبارت بودند از:

### سبحانک اللهم و بحمدک

### لا اله الا انت

### علمت سوء و ظلمت نفسی

### واعترفت بذنبی

### اغفر لی انک انت الغفور الرحیم

یعنی:

جز تو خدایی نیست

کار بدی کردم و بر خود ظلم نمودم

اینک به گناه خود اعتراف می کنم

مرا ببخش که تو بخشنده و مهربانی.

آدم (ع) تا غروب آفتاب همچنان دعا میکرد و با تضرع اشک می ریخت. وقتی که آفتاب غروب کرد همراه جبرئیل روانه مشعر شد و شب را آنجا گذراند. صبحگاهان در مشعر بپاخواست و به دعا پرداخت... تا اینکه سرانجام بخشیده شد ...

### حضرت ابراهیم (ع) در عرفات

جبرئیل (ع) در صحرای عرفات، مناسک حج را به حضرت ابراهیم (ع) آموخت و حضرت ابراهیم

... تا غروب آفتاب دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشک می ریخت ... تا بالاخره بخشیده شد...

نهم ذیحجه (در ایران، پس فردا سه شنبه، ۲۲ مهر) روز عرفه است. خداوند متعال در این روز به سه مکان و سه گروه از انسانها، توجه ویژه دارد:

۱. کربلا و زائران امام حسین (ع).  
۲. صحرای عرفات (در نزدیکی مکه) و حجاج بیت الله.  
۳. هر جا از دنیا که دستی به سوی او بلند شود و دلی بشکند.

### چرا «عرفه»؟

- آنگاه که جبرئیل (ع) مناسک حج را به حضرت ابراهیم (ع) می آموخت، چون به عرفه رسید به او گفت: «عرفت؟» یعنی «یاد گرفتی؟» و او پاسخ داد آری. لذا به این نام خوانده شد.

- وجه دیگر اینکه مردم از این جایگاه و در این سرزمین به گناه خود اعتراف می کنند.

- بعضی دیگر هم آن را جهت تحمل صبر و رنجی میدانند که برای رسیدن به آن باید متحمل شد؛ چرا که یکی از معانی «عرف» صبر و شکیبایی و تحمل است.

### حضرت آدم (ع) در عرفات

مطابق روایتی از امام صادق (ع)، وقتی جد اعلای ما حضرت آدم (ع) از باغ بهشتی به زمین فرود آمد، چهل روز هر جا بامداد بر فراز کوه صفا با چشم گریان در حال سجده بود. جبرئیل (ع)، فرود آمد و پرسید:

- چرا می گری، ای آدم؟

- چرا نگریم در حالیکه از جوار خداوند به این دنیا فرود آمده ام؟

## توصیه های مهم برای بهترین روزهای بهترین سفر

## آماده شو! اوج میهمانی اینجاست

### • آرام باشید: حال شما را خیلی ها دارند. خدا

بنده اش را می شناسد کاری که نتوانید انجام بدهید از شما نخواسته. این همه سال میلیونها آدم آمده اند حاجی شده اند و رفته اند. شما هم می توانید اضطراب نداشته باشید و اخلاقتان را خراب نکنید.

• **نخرید:** اینجا هم مثل همه جا پر از دوره گرد است که گاهی قیمت اجناس شان آدم را حسابی وسوسه به خرید می کند. اما میل خودتان است. شما فقط ۹۶ ساعت وقت دارید که این دنیا و آن دنیایتان را با خدا معامله کنید.. خرید سوغاتی را بگذارید برای مکه ومدینه نه پای جبل الرحمه!

• **ریزبین باشید:** موقع جمع آوری سنگ در مشعر و در تاریکی شب، مواظب گزیدن حشرات موذی و بریدن دستهای خود با زباله های ریخته شده باشید. موقع رمی جمرات هم حواستان به سنگ های پرتاب شده باشد.

• **همانگ باشید:** در صورتی که شرایط وقوف اضطرابی دارید، مراقب باشید تا از برنامه ریزی مسئولین کاروان برای امثال شما در وقوفها عقب نمانید. بقیه افراد کاروان تکلیفی غیر از شما داشته و برنامه ای مجزا دارند.

باید مراقب خواب و خوارک خودتان باشید.

• **در دسترس باشید:** در تمام ایام تشریق کارت شناسایی خود در عربستان را در لباس احرام و بعد از آن در جیب خود همراه داشته باشید تا در صورت حادثه، گرمادگی، بیهوشی و گم شدن، نیروهای امدادی بتوانند به شما، دریافتن چادر کاروان تان کمک نمایند.

• **هوای بقیه را داشته باشید:** بعضی ها می گویند: «هر کس باید اعمال خودش را انجام بدهد». اما شما حواستان به همراهان ضعیف و پیر باشد. کمک شان کنید. یک وقت دیدید یک دعای کوچک شان، حسابی به دادتان رسید.

• **پر خوری نکنید:** وگرنه برای پیدا کردن یک دستشویی تمیز و قابل تحمل، حسابی به زحمت می افتید. درست است که دستشویی در منطقه زیاد است ولی پر خوری وید خوری وبه هم خوردن اوضاع مزاجی هوش وهواستان را پرت می کند.

• **وسواسی نباشید:** ان شالله درست است. بعضی شکیات را شیطان در جان آدم می اندازد. شما با دقت و حوصله و با توجه به حرف ها و توصیه های روحانی و معین کاروان، کارتان را انجام بدهید. خدا قبول می کند.

هر کاری راه و رسم خاص خودش را دارد. اعمال حج تمتع هم همین طور. برای خوب گذراندن این روزهای خاطره ساز، این چند نکته را بدانید.

• **جاسازی کنید:** یک گوشه کوچک یک نفره از چادر. سهیم شماست. بنابراین همان اول ورود به عرفات، وسایل شخصی تان را در داخل ساک یا کیسه در جای اختصاصی تان بگذارید. این را موقع وقوف در مشعر و چند روز وقوف در منی هم یادتان باشد.

• **مهربان باشید:** هر چند نفر در یک چادر هستید. هیچ جای چادر به جای دیگر ارجحیت ندارد، حتی المقدور فضای کمتری را اشغال کنید. حاجی بد اخلاقی که همراهانش از دستش ناراضی باشند اعمالش ایراد دارد.

• **تمیز باشید:** حتما بعد از استفاده از دستشویی دستتان خود را با آب و صابون بشویید. حواستان به دردسر شایع این چند روز یعنی «عرق سوز» شدن هم باشد. راه حل پیشگیری اش هم ساده است. کفشاله ران تان را همیشه خشک نگه دارید و نگذارید عرق کند. درمان عرق سوز شدن هم که پودر بچه است.

• **به موقع استراحت کنید:** از قدیم گفته اند: «هر هو آن است که آهسته و پیوسته رود». این درست است که این روزها تکرار نشدنی است، ولی



# دستان خالی؛ دل‌های پر تلاطم وسایل ضروری برای روزها و شب‌های احرام

تقریباً همه شبیه خودتان هستند. همه فرار است یک جور لباس بپوشید و به یک میهمانی بروید. فرقی هم ندارد دکتر و مهندس باشی یا کارگر ساده. آسیایی باشی یا اروپایی، سیاه باشی یا زرد یا سفید. خدا این جا به ظاهر همه بنده هایش به یک چشم نگاه می‌کند و این خود آدم‌ها هستند که باید در اعمال و رفتارشان، خود را از بقیه متمایز کنند. معمولاً حجاج ایرانی، نوع لباس پوشیدنشان و وسایلی که با خودشان برای این ۴-۳ روز اصلی حج بر می‌دارند یک جور است. شما هم این راهنمای کوچک و جمع و جور را ببینید تا اگر چیزی از یادتان رفته با این مرور کوتاه یادتان بیاید و چیزی را از قلم نیندازید.

لباس احرام اضافه، اگر در شلوغی دست اول لباس به هر دلیلی از دست رفت. داشتن یدکی اش بد نیست. ضمناً برای گرم نگه داشتن خودتان هم می‌توانید استفاده کنید **ساک کوچک**: لباس احرام و دمپایی وزیر انداز و قرآن و دعا را داخل آن بگذارید. فقط حواستان باشد جوری وسایل تان را نچینید که خدای نکرده احترام قرآن یادتان برود و کار خودتان را از همین اول خراب کنید. قرآن را رو بگذارید و وسایل شخصی را زیر.

**کیف کمری**: برای گذاشتن تیغ و پول. کیف‌های کمری مخصوص احرام معمولاً شکل و نوع خاصی دارند.

**کیسه سنگریزه**: آن سنگ‌هایی که در مکه جمع کرده اید و قرار است توی مزدلفه تکمیلش کنید و با آن شیطان را رمی‌نمایید، الان جزو مهم‌ترین وسایل شما است. یک کیسه کوچک برای حمل آنها تهیه کنید. هم جایش مطمئن تر است و هم حملش راحت تر.

**کارت شناسایی**: با داشتن کارت اگر زبان هم بلد نباشید و گم شوید پیدایتان می‌کنند. کارت‌های شناسایی توی شلوغی و ازدحام منی و عرفات، خیلی به درد می‌خورند.

**زبان**: ذکر بگویند. بدزبانی و فحش در چنین جایی خیلی زشت است. بدتر از آن، دعوا کردن و جدال، حج تان را هم باطل می‌کند.

**چشم**: فرقی ندارد چه مرد چه زن مراقب نگاهتان باشید. هم لباسها فقط دو تکه پارچه است که ممکن است در فشار بیفتند و هم چادرهایتان کنار هم اند. یادتان باشد شما الان تا موقع پایان اعمال، حتی به همسر تان هم نامحرمید.

**مو**: خیلی‌ها از اینکه آخر این مراسم بی‌مو می‌شوند ناراحتند. ناراحتی ندارد در این سفر باید خیلی چیزها را کنار بگذارید، مو که چیزی نیست.

## توصیه

### توصیه‌های لازم در ایام تشریح

**توصیه‌هایی در خصوص سلامت‌تردد:**

از تردد بی‌مورد به خصوص در ساعات گرم روز خودداری کنید.

از صعود به جبل‌الرحمه برای حفظ سلامتی خود بپرهیزید.

به صورت دسته‌جمعی حرکت کنید و از تک‌روی خودداری نمایید.

هنگام خروج از چادر، نشانه‌هایی را مشخص کنید تا هنگام بازگشت دچار اشتباه نشوید.

در صورت گم شدن به یکی از کاروانهای ایرانی مراجعه کنید و یا خود را به ستاد گم‌شدگان معرفی نمایید.

هنگام خروج از چادر، مقداری آب با خود حمل کنید تا هنگام تشنه شدن از آن استفاده کنید.

در رمی جمرات از برداشتن دمپایی جدا شده از پاهای خود در بین جمعیت خودداری فرمایید؛ زیرا امکان خفه شدن و مرگ بسیار زیاد است.

از پا برهنه شدن و حرکت در خاک و خاشاک و تیغ بیابان خودداری نمایید تا به بیماریهایی چون هپاتیت، ایدز و غیره مبتلا نگردید. ۹- از همراه بردن کیف‌های سنگین و حجیم خودداری نمایید.

در صورت خراب شدن اتوبوس از پایین آمدن و کنجکاوای جدا خودداری نموده با مدیران کاروان همکاری نمایید.

### توصیه‌های بهداشتی

قبل از مصرف مواد غذایی و بعد از توالت، دستهای خود را با آب و صابون بشویید.

در هنگام تراشیدن سر از تیغ و خودتراش شخصی استفاده نموده و از مراجعه به آرایشگرهای دوره گرد پرهیز نمایید.

در سه روز اقامت در مناه، پس از شستشوی لباسها، از آویزان نمودن لباس زیر در منظر عمومی خودداری نمایید.

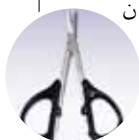
در ایام تشریح از استراحت نمودن غافل نشوید.

به هیچ وجه جهت مالیدن چشم‌ها از وسایل آلوده یا دست آلوده استفاده نشود.

از پرخوری پرهیز نمایید، زیرا به خاطر محدودیت سرویسهای بهداشتی دچار مشکل خواهید شد.

از مصرف بی‌رویه شیرینی و تنقلات و موز به طور مرتب خودداری نمایید.

از مصرف یخ‌های غیر بهداشتی جدا خودداری فرمایید.



ویژه نامه نشریه زائر ■ بعثه مقام معظم رهبری

## قدر بدانیم

### برای آنان که شب قدر را قدر ندانستند

از وقتی آمده‌ام، سینه‌ام سبک شده است و قلبم آرام. شاید باز دوباره یاد خدا هم‌خانه دل من شده است. کسی می‌گوید که آن جبل‌الرحمه، محل هبوط آدم و حواست و همین‌جا ایشان خود را باز یافتند. من نیز به امید بازیابی و بازسازی خویشتم. کلام سیدالشهدا (ع) شیرین‌ترین توصیف است از حال حضرت و بهترین تلقین برای دل مرده من. با دعا دیگر پاهایم طاقت ماندن ندارند. دل به دریا می‌زند و از خاک جدایی شوند.

زمزمه می‌کنم: « اِبْتَدَاتِنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اسْكَنْتَنِي الْأَضْلَابَ آمَنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَأَخْتَلَفَ الدُّهُورَ وَالسَّنِينَ »؛ با نعمت مرا آغاز کردی، پیش از آنکه چیزی به یاد آمدنی باشم و از خاکم آفریدی و سپس در صلب‌ها جایم دادی. ایمن از سختی‌های دوران و رفت و آمد سالیان و روزگاران.

« لِمَ تَخْرُجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَطَفِكَ لِي وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلِهِ.. أَنَّهُ.. الْكَفَرُ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ »؛ و این لطف و احسان تو بود که مرا در زمان حکام کفر و در زمان عهدشکنان پیامبر ناشناس، لباس خلقت نپوشاندی و در وجود نیاوردی.

باز هم به لحظه آغازم می‌اندیشم که « اَخْرَجْتَنِي لِلذِّي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا »؛ مرا تمام و کمال، بی هیچ عیب و نقص، بر کشتی هدایت نشاندی و به سوی دنیا گسیل داشتی.

اینها ذره‌ای بود از دریای راز و نیاز حسین (ع)، سید و سالار شهیدان. حال و احوال ما که معلوم است! ما هم مثل آدم و رانندگان از عرش، در فرس، خدا را می‌خوانیم: « اَللّهُمَّ اِنِّي اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ... لَكَ مَقَرًا يَا اَبْنَكِ رَبِّي وَ اِلَيْكَ مَرْدِي »؛ خداوند! من مشتاقانه به سوی تو میل می‌کنم و به پروردگاریت شهادت می‌دهم و اقرار می‌کنم که تو خدای منی و بازگشت من، به سوی توست.

### مسیر حرکت کاروانها به سمت عرفات

#### ستاد مکه مکرمه - واحد نقل تردی

حج تمتع  
۱۳۹۲ هـ - ۱۴۳۴ ق

- مسیر معابده و عزیزیه به سمت عرفات
- مسیر ابراهیم خلیل و منصور به سمت عرفات
- مسیر محبسی الجن به سمت عرفات
- مسیر عرفات به سمت منی
- مسیر بازگشت از عرفات



## توصیه‌ها در مشاعر

معاونت حمل و نقل زمینی و مشاعر ستاد مکه مکرمه نکاتی حائز اهمیت برای رعایت در زمان وقوف در مشاعر مقدسه را اعلام کرد که به طور جداگانه در پی می‌آید:

### عرفات

- حضور به موقع برابر برنامه زمان بندی اعلام شده در لابی هتل جهت سوار شدن به اتوبوس برای عزیمت به عرفات
- خارج نشدن از هتل حداقل ۳ تا ۴ ساعت قبل از عزیمت به عرفات
- عدم همراه بردن بار اضافی در ساک دستی همراه زائر
- در زمان پیاده شدن از اتوبوس در عرفات، مزدلفه و منا دقت کنند وسایل شخصی خود را در اتوبوس جا نگذارند

### عدم اضطراب و حفظ خونسردی

- جمع کردن سنگ در مکه با توجه به اینکه در وقوف اضطرابی امکان جمع کردن سنگ از مشعر وجود ندارد
- با توجه به زمانبندی خروج از عرفات و اعلام به کاروانها، آندسته از کاروانها که زمان خروجشان از عرفه به مزدلفه دیرتر انجام می‌شود با خونسردی کامل به دعا و نیایش و انجام عبادت در وادی مقدس عرفات مشغول

باشند و این وقت را غنیمت بشمارند

با توجه به اینکه زائرین وقوف اضطراری بعد از اذان مغرب به منا منتقل می‌شوند و زمان انتقال این دسته از زائرین احتمالاً تا ساعت ۹ شب به طول می‌انجامد، ضمن هماهنگی با مدیر کاروان دقت کنند در زمان مقرر در ایستگاه اعلام شده جهت انتقال آماده باشند

در منطقه عرفات به دلیل متحد الشکل بودن منطقه به هنگام مراجعه به سرویسهای بهداشتی و برگشت به چادر از علامتهای طبیعی موجود و یا علامتهای نصب شده روی چادرها مسیر برگشت به چادر را پیدا کنید

### مزدلفه

- در شب دهم هنگام عزیمت به مزدلفه و مشعر از غذای پر حرجم و سنگین استفاده ننمایند



ویژه نامه نشریه زائر ■ بعثه مقام معظم رهبری

## نکات ضروری

### نکات امدادی برای مشاعر مقدسه

واحد امداد و راهنمای زائران در ستاد مکه مکرمه نکات مربوط به امداد و راهنمای زائرین در مشاعر مقدسه را یادآور شده است که در پی می آید:

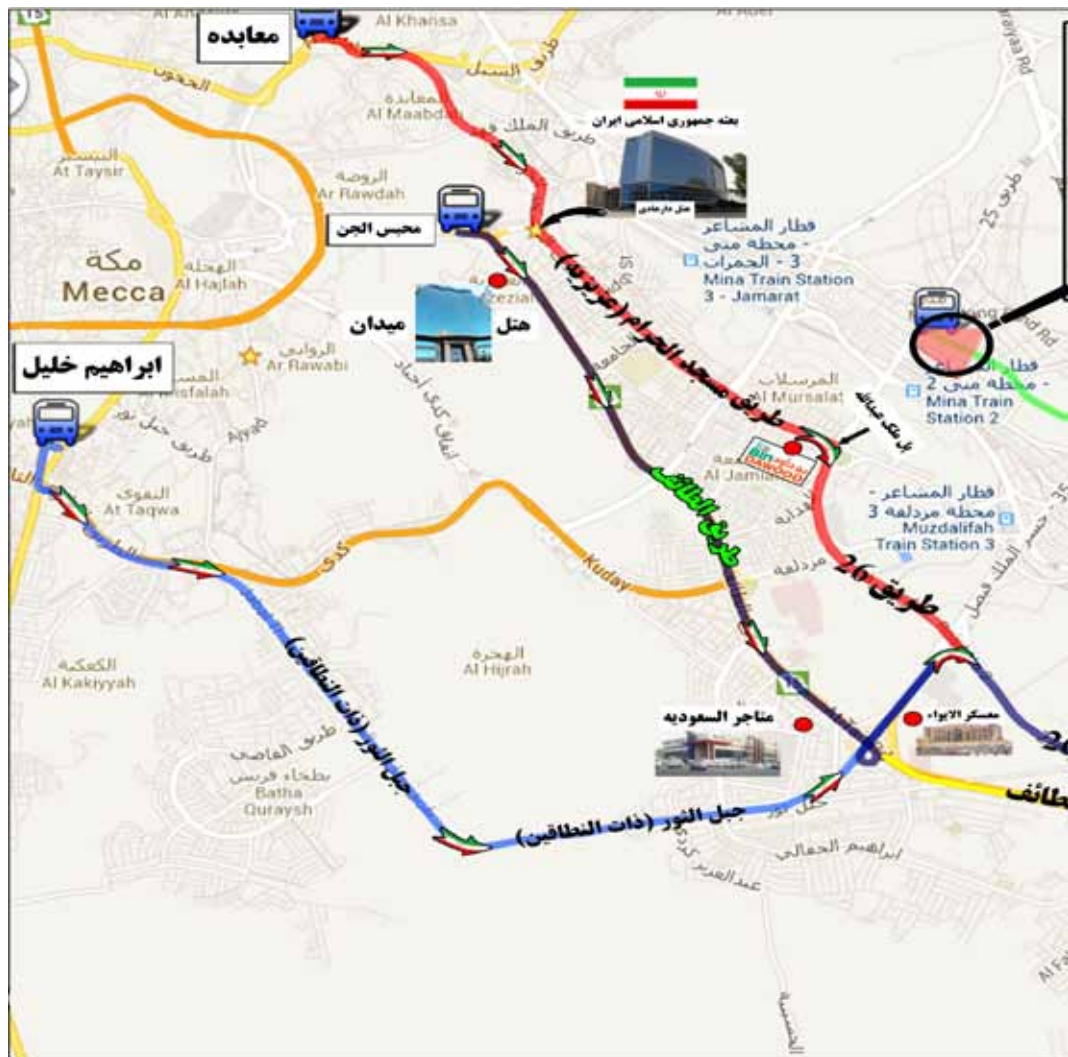
زائران همواره کارت شناسایی خود را به همراه داشته باشند. در صورت نیاز در مکه مکرمه با شماره تلفن: ۸۰۰۱۱۶۰۰۵۵ ایکن امداد ۸۰۰۱۱۶۰۰۵۵ و بدون گرفتن پیش شماره و با تلفن ثابت و همراه تماس برقرار کنند. نیروهای امداد در داخل مسجدالحرام زیر مهتابی های سبز (محاذات حجرالاسود) و مقابل ناودان رحمت (طلا) به صورت ثابت حضور دارند. نیروهای امداد علاوه بر حضور در ایستگاه های مهم اتوبوس در داخل مسجدالحرام و محیط بیرونی مسجدالحرام در حال گشت زنی نیز هستند. زائران عزیز دقت کنند چنانچه در سرزمین عرفات به جبل الرحمه می روند چگونگی بازگشت به چادرها را پیش بینی و به علامت بالون نصب شده توجه کنند.

زائرانی که پیاده از مشاعرالحرام به چادرهای منسی برمی گردند به علائم و نشانه های پرچم های جمهوری اسلامی ایران نصب شده در طول مسیر و تقاطع و روی پل ها توجه کنند. در طول مسیر رفت و برگشت به جمرات علاوه بر توجه به علائم و نشانه های نصب شده تعداد زیادی از نیروهای امدادی حضور دارند.

در صورت نیاز فضای نسبتاً مناسب جلوی مسجد خیف در منا که نیروهای امداد نیز حضور دارند می تواند محل قرار بعضی از زائران نیاز به کمک های امدادی باشد.

بالون نصب شده در منا علامت گویایی برای یافتن چادرهای ایرانی ها است. در ایام حضور در منا حتی المقدور از تردد غیر ضروری اجتناب شود در صورت نیاز دفتر مرکزی امداد در منا و مکاتب ۹ گانه می تواند محل مراجعه باشد.

نشانه بزرگ نصب شده در مکاتب ۹ گانه در منا مسیر مناسب رفت و برگشت به جمرات را نشان داده است که می تواند مورد استفاده بگیرد. چنانچه زائران موفق به تماس یا ارتباط با نیروهای امدادی نشدند با اولین جمع و یا کاروان ایرانی خود را به چادرهای محل اقامت ایرانی ها برسانند.



## ای و قوف بر مقدسه

- با آرامش سعی کنید از این فضای کم برای استراحت خود و دیگران بطور مطلوب استفاده شود
- مطمئناً اقامت و استراحت در فضای تخصیص داده شده هر چند برای دو روز سخت می باشد ولی با توکل به خدا و نیایش و دعا برای قبولی اعمال و نزدیکی به خدا این سختی را تحمل نمایید
- در روز دهم ذی حجه و حلول عید مبارک قربان یکی از اعمال زائرین مرد حلق (تراشیدن موی سر) می باشد. در این خصوص موارد زیر توصیه می شود:
- حتماً از محوطه جنب دستشویی ها برای حلق استفاده نمایید و به هیچ وجه در خیابان ها و معابر و فضای چادر اقدام به حلق نکنید.
- در محوطه دستشویی ها رعایت حال کاروانهایی که خیام آنها جنب دستشویی ها می باشد را بنمایید.
- پس از اتمام حلق تا حد امکان محل را تمیز نموده و بهداشت فردی و جمعی را رعایت بفرمایید.
- در صورت بیتوته در منا محل استقرار خود را شناسایی کنید در صورت پیدا نکردن جای کاروان از پرسنل امداد که با لباس مشخص در منطقه حضور دارند کمک بگیرید.

- همراه داشتن یک بسته کوچک خرما و یک بطری آب در می جمرات و در بازگشت موثر است
- منا**
- به دلیل محدود بودن منطقه شرعی منا سرانه زمین تخصیص داده شده به زائرین پایین می باشد بطوریکه در هر خیمه با مساحت حدود ۱۶ متر مربع ۱۴ تا ۱۵ نفر باید مستقر شوند. لذا با توجه به کمبود جا توصیه می شود زائرین موارد زیر را رعایت نمایند
- تا حد امکان از آوردن وسایل اضافی به منی خودداری نمایند
- در استفاده از فضای چادر، هم کاروانی های خود را مساعدت نموده و در نظر داشته باشند سهم آنها مانند بقیه زائرین حدود ۱/۰۶ متر مربع می باشد



## شروع ضیافت

### میهمانی خدا آغاز شد

اینجا، اول راه است. از مکه و ترجیحا کنار خانه خدا، قرار عاشقانه شروع می‌شود؛ حاجی‌ها نیت می‌کنند و لباس احرام می‌پوشند؛ بعد هم سوار اتوبوس می‌شوند تا به صحرای عرفات بروند. شلوغی و ترافیک، هزار جور احتمال دیر رسیدن و تأخیر و جاماندن، باعث می‌شود کاروان‌ها، از همین امشب سفر را شروع کنند. تا فردا صبح که شروع اصل ماجراست، همه سرقرار حاضر باشند.

معمولا کاروان‌ها، حدود نیمه‌شب و نزدیک اذان صبح می‌رسند به صحرای عرفات. روز اول روز صبر و تحمل است.

#### توصیه‌ها:

خونسرد باشید. باور کنید دانستن اعمال و واجبات این ۴ روز این قدر مشکل و پیچ در پیچ نیست. حواس تان باشد که شما میهمان خدایید و خدا هم نمی‌گذارد به میهمانش بد و سخت بگذرد. همه حواستان را جمع توبه و استغفار کنید و فکر سختی اعمال نباشید. خونسرد باشید. این جا همه تسوی ترافیک گیر کرده اند. با غرغر کردن هم راه باز نمی‌شود. به برنامه ریزی مدیر کاروان تان اعتماد کنید.

### هشتم ذیحجه چرا ترویه است؟

عبدالله بن علی حلبی گوید از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: چرا به روز ترویه (روز هشتم ذی حجه، به معنای سیراب شدن، آب برداشتن...) ترویه می‌گویند؟ فرمود: چون در عرفات، آب نبود و حجاج برای نوشیدن آب، آن را از مکه می‌آوردند و به همدیگر می‌گفتند: آب برداشتید؟ آب برداشتید؟ از این رو، آن روز، روز ترویه نام گرفت.

معاویه بن عمار از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: روز ترویه را، ترویه نامیدند، چون جبرئیل در چنین روزی، نزد حضرت ابراهیم (علیه السلام) آمد و گفت: ای ابراهیم، برای خود و خانواده ات آب بردار و میان مکه و عرفات آبی نبود. آنگاه به موقف عرفات رفت و به ابراهیم (علیه السلام) گفت: اعتراف کن و با عبادات آشنا شو. از این رو آن روز، عرفه نامیده شد. سپس به او گفت: به مشعر نزدیک شو، به این جهت نام آن جا به مزدلفه (محل نزدیک شدن) شهرت یافت.

# کوفه

اللهم اجعل غنای فی نفسی  
والبقیین فی قلبی والأخلاص فی عملی  
والتویر فی بصری والبصیرة فی دینی

### گذری بر وقایع مهم یوم الترویه

## گواهی کعبه بر وفای ماه هاشمی

#### وقایع این روز

در این روز امام حسین علیه السلام پس از شهادت مسلم بن عقیل به کوفه نامه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم: از طرف حسین بن علی بسوی برادران مؤمن و مسلمان. سلام علیکم. ... من روز سه شنبه هشتم ماه ذی حجه که روز ترویه است از مکه معظمه بسوی شما حرکت نموده‌ام، موقعی که فرستاده من بر شما وارد شد در کار خود شتاب کنید و کوشا باشید زیرا من در همین روزها نزد شما خواهم آمد. والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

#### خطبه حضرت عباس بر فراز کعبه در یوم الترویه

حمد خدایی را سزاست که این بیت را به برکت قدوم پدر او (حضرت امام حسین) شرافت داد. بیتی که تا دیروز خانه خدا بود و امروز به این شرافت (امیرالمؤمنین) قبله گردیده است. ای کافران فاجر و فاسق! آیا راه را برای ادامه حج امام نیکان مانع می‌شوید؟ چه کسی از او به کعبه سزاورتر است؟ چه کسی از او به کعبه نزدیک‌تر است؟ اگر حکمت‌های آشکار و اسرار والای و امتحانات الهی نبود این بیت الهی بود که به طواف امام حرکت می‌کرد قبل از اینکه امام به سوی آن حرکت نماید. و اگر خواست مولای من بر پایه مشیت الهی نبود هر آینه مانند باز شکاری غضبناک که بر گنجشک‌های در حال پرواز هجوم می‌آورد، به شما حمله می‌کردم و جان شما را می‌گرفتم. ای قوم ترسو، آیا قومی را می‌ترسانید که تفریحشان در کودکی بازی با مرگ است، پس چگونه‌اند در مردانگیشان؟ و قسم می‌خورم که به جای قربانی کردن حیوانات، عزیزانم را برایش فدا کنم. هیهات! ببینید و به دقت نظاره کنید که رهرو چه کسی هستید؟ کسی که دائم الخمر است یا کسی که صاحب حوض کوثر است؟ کسی که در خانه او آواز خوان‌های مست هستند یا کسی که خانه‌اش محل نزول وحی و قرآن است؟ کسی که در خانه‌اش جای آلات لهو و لعب و پلیدی‌هاست و یا کسی که خانه‌اش محل پاکی‌ها و آیات الهی است؟

شما در گمراهی شدید و واقع شده‌اید که قریش در آن واقع شد، زیرا آنان می‌خواستند که رسول الله را به قتل برسانند و شما می‌خواهید که فرزند دختر پیامبران را به قتل برسانید. و هیچگاه این امر امکان پذیر نبود تا وقتی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام زنده بود. چگونه برای شما کشتن اباعبدالله حسین (علیه‌السلام) ممکن است تا مادامی که من از ذریه علی (علیه‌السلام) زنده‌ام؟ بیایید تا شما را

به مقصودی که برای آن جمع شده‌اید راهنمایی کنم، به قتل من اقدام کنید که این تنها راه برای رسیدن به قتل ابی‌عبدالله است، گردن مرا بزنید تا مراد شما حاصل شود. خداوند شما را به مقصودی که دارید نرساند و عمرهای شما را کوتاه و فرزندانان را مشقت و پراکنده نماید و شما و اجدادتان را لعنت کند.

#### آیا امام حسین (ع) حج ناتمام داشت؟!

از دیدگاه فقهی این سخن مشهور که امام حسین علیه السلام حج خود را نیمه تمام گذاشت، سخن نادرستی است. زیرا امام علیه السلام در روز هشتم ذی حجه (یوم ترویه) از مکه خارج شد، در حالی که اعمال حج که با احرام در مکه و وقوف در عرفات شروع می‌شود از شب نهم ذی حجه آغاز می‌شود، بنابراین امام علیه السلام اصولاً وارد اعمال حج نشده بود تا آن را نیمه تمام گذارد. بلکه ایشان در هنگام ورود به مکه عمره مفرده انجام داد. روایتی نیز از امام صادق علیه السلام در همین رابطه وارد شده است. می‌توان دلایل این خروج را بطور خلاصه چنین ذکر نمود: ۱- خطر جانی ۲- شکسته نشدن حرمت بیت الله الحرام. ایشان به عبدالله بن زبیر فرمود: به خداوند سوگند، اگر یک وجب خارج از مکه کشته شوم برای من دوست داشتنتی تر است تا آن که به اندازه یک وجب در داخل مکه کشته شوم. به خداوند سوگند: اگر من به لانه ای از لانه جانوران پناه برم مرا از آن بیرون خواهند کشید تا آنچه را از من می‌خواهند به دست آورند.

#### احکام روز ترویه

غسل کردن و روزه گرفتن در روز ترویه مستحب است. حاجی پس از فراغ از اعمال عمره تمتع هر زمان که بخواهد می‌تواند برای حج احرام ببندد؛ لیکن بنا بر مشهور، افضل احرام بستن در روز ترویه است. برخی قداماً آن را واجب دانسته‌اند؛ بدین معنا که تأخیر احرام را از روز ترویه جایز ندانسته‌اند. در اینکه افضل، بستن احرام پس از نماز ظهر است یا پس از نماز عصر و یا قبل از نماز ظهر، اقوال مختلف است. بنا بر قول آخر، حاجی نماز ظهر و عصر را در منی می‌خواند. برخی نیز قائل به تخییر بین احرام بستن پس از نماز ظهر و عصر و قبل از آن و خواندن دو نماز در منی (منی) شده‌اند.



## تحلیلی بر مناسک حج

## حج معانی، نه حج مناسک



مراحل و مناسک حج هر کدام سرشار از رموز و مفاهیم و کلیدهایی است که گنجینه اسرار حج را در خود نهان کرده است و بازگشایی این کلیدها و رمزها تفسیر این واقعه عظیم در زندگی انسان مسلم است. احرام در میقات ذوالحلیفه: لباس که عامل پوشش و کفر است از تن به در آرد تا هر گونه نشانه حجاب، نمود، رمز، درجه، عنوان، امتیاز، رنگ و طرح و در یک کلام، "من است را به دور اندازی. همچو ماری پوست انداز، از من خویش به در آی، مردم شو. "نه کسی باش که به میعاد آمده‌ای، خسی شو که به میقات آمده‌ای" گور همه "من" هایت را در ذوالحلیفه حفر کن، خود را در آن دفن نما. در میقات بمیر و در صحرائ میان میقات و میعاد مبعوث شو. **نیت**: در هر نیتی چه نیت احرام، چه نیت طواف و چه سعی و چه نماز حرکت از فراز به فرود است فرورفتن در خاک و سر بر آوردن در برابر خدا. قربه الی ...

**کعبه یعنی بازگشت**: کعبه در زمین رمزی است از خدا در جهان. تو در جهت کعبه ای و کعبه خود جهت ندارد که اینجا پایان غربت انسان است و این ندا که: ای بریده، عریان مطرود، تبعیدی غربت زمین به سوی خدایت برگرد. **طواف، حجرالاسود**: در مسیر خلق بر مدار خدا بگرد. حجرالاسود این سنگ آسمانی را استلام کن تا با خدا دست داده باشی و بیعت کنی و چقدر انسان بزرگ می شود در این اعمال. **مقام ابراهیم، سعی**: در پشت مقام ابراهیم نماز کن تا همیشه خلف صالح دین او باشی و حنیف بمانی تا ابد. سعی بین صفا و مروه کن تا معنی عشق را بفهمی که یافتن آب، هاجر را به عشق بود نه به سعی! اما پس از سعی، ای خسته از سعی بر عشق تکیه کن.

**عرفات، مشعر، منا**: مشاعری که حاجی از ظهر روز نهم تا صبح روز دوازدهم باید در آن بماند و کار اصلی اش فقط وقوف است و بعد رمی و ذبح. در عرفات به شناخت می رسد؛ در مشعر به آگاهی و شعور دست می یابد و در منا به تمناهایش جامه عمل می پوشاند و عاشق می شود و عاشق می ماند تا مسلم بماند. رمز عرفات و مشعر، معنای دین است آنچنان که همه می فهمند و جمعیان با منا، اسلام است که انسان مسلمان معتقد به آن می رسد و در آن می ماند. در عرفات وظیفه ات فقط فکر کردن است و وقوف مطلق. بی هیچ عملی تا به عرفان و شناخت برسی و وقتی به مشعر رسیدی، در سرزمین شعور و آگاهی وقتی دشمن را خوب شناختی و از موقعیتش آگاه گشتی، حال سلاح جمع کن آن هم در دل شب. جستجوی سلاح در دلش شب، چه پررمز است این عمل.

**مزدلفه**: به معنای درهم فشارنده و نزدیک کننده. تنگه

ای که خود را تنگ تر کرده و سپاه مسلح در مشعر را تنگ در خود می فشرد و راهی منا می کند. غریو شادی، نهر آفتاب و سیل انسان، صبح دهم ذیحجه هر سه در هم می آمیزند و به تنگه منا سرازیر می شوند. آفتاب که طلوع کرد او هم خود را به این دره می ریزد و به سمت منا راهی می شود. گویی این روز آفتاب هم حج می کند. در عرفات طلوع می کند و از مشعر می گذرد و وارد منا می شود. بدینسان انسان مسلم، خود را در حکومت شب مشعر می سازد. در پناه شب سلاح گرد می آورد تا تصمیم به حمله بگیرد و صبح روز دهم با طلوع آفتاب حمله اش آغاز می شود و همان ابتدا او پیروز است چرا که پیروزی را هنگامی به دست آورده‌ای که تصمیم گرفته‌ای و این همان مأموریت به تکلیف است نه مأموریت به نتیجه.

**رمی جمرات**: در حمله به شیاطین، اول، آخری را بزنی زیرا آدمی همیشه قربانی آخرین فریب است. هفت مرتبه به شماره روزهایی که آفرینش این جهان پایان گرفت. هفت ستاره، هفت آسمان، تمامی روزهای هفته، یعنی عمر را همیشه در منایی و همواره در رمی. از رمی جمره عقبی بر می گردی، آهنگ ذبح می کنی و پا جای پای ابراهیم، اسماعیل زندگیت در دست و تیغ ایمان در دستی دیگر و خوب ببین که اسماعیل تو چیست؟ قربانی که کردی باز هم هوشیار باش و روزهای بعد هر سه را بزنی. پیروزی اول، تو را به آسودگی نکشاند. زمام منا را که به دست گرفتی، سلاح را از دست مگذار که ابلیس را اگر از در برانی از پنجره باز می گردد. در بیرون بکوبی از درون سر بر می آورد. در منا نابودش کنی در "من" نابودت می کند و چه می گویم؟ وسواس و ابلیس سه چهره دارد، هفت رنگ، هفتاد دام. در جامه سیاه کفر عریانش کنی، ردای سبز دین بر تن می کند. در چهره شرک رسوایش کنی، نقاب توحید بر چهره می زند. بتخانه را بر سرش ویران کنی در محراب خانه می کند. در بدر خونش را بریزی در کربلا انتقام می گیرد که تسلیم ابوسفیان را اسلام ابوسفیان نپنداری. در خندق مدینه شمشیر بخورد در مسجد کوفه پاسخ می گوید. در اُحد، بُت هیل را از دستش بگیرد در صفین، قرآن الله را بر سر دست می گیرد.

و تو ای حاجی! حج معانی کن نه حج مناسک تا ببینی و بفهمی که چگونه از تاروپود زر، عنکبوت تزویر خلق، بر سر هر راه خدایی، دام ظلم و زور پهن کرده و خلق را همواره در پای قصرهای زور، بر سر گنجینه های زر و در آستانه معبد های ضرار و ذلت تزویر ذبح می کند و آنها را بشناس و همواره در انتظار منجی باش تا ذوالفقار انتقامش از نیام دستان پاکش به در آید و تثلیث شوم زر و زور و تزویر ملتها را بشکند.

## وقوف

با وقوف از نفس عبور کنید  
شب دهم ذی حجه

♦ اذان مغرب حاجی ها وسایلشان را جمع می کنند و پیاده یا سواره بر می گردند به سمت مکه تا به جایی به نام "مزدلفه" یا "مشعرالحرام" برسند. یک صحرائ تقریباً تاریک. فرصتی مناسب برای خلوت کردن با خود و خدا. ♦ به ماندن و گذراندن شب، می گویند "بیتوته". کار حاجی ها هم همین است؛ تا اذان صبح، اینجا بیتوته می کنند و از آن به بعد، باید "وقوف" کنند تا طلوع آفتاب. بیشتر حاجی ها، این چند ساعت را به خواندن دعا و قرآن مشغول هستند.

♦ جالب است! مشعر جای شعور و شناخت است، اما در تاریکی شب به آنجا می رسمیم، مشعر ناشناخته تر از عرفات است. اینجا باید با شعور، سنگ ریزه ها را جمع کرد برای جنگ فردا با شیطان.

## توصیه ها

♦ آنها که تجربه اش کرده اند، می گویند نماز شب نوبی تاریکی مشعر خیلی می چسبد. چه طور خواندنش را از روحانی کاروانتان بپرسید. ♦ نگاهی به آسمان و ستاره هایش بیندازید. حس و حال اینجا جان می دهد برای نگاه کردن به عظمت خلقت خدا و ذکر سبحان الله. ♦ احتمالاً جای استراحتتان کم است و محدود، حواستان جمع باشد سر دو و جب جا کل حجتان را خراب نکنید.

## سخنان باشکوه

طبق مشهور میان محدثان پیامبر (ص) در عرفه سخنان تاریخی خود را در اجتماع عظیم و باشکوه حجاج بیان داشت ..... ای مردم سخنان مرا بشنوید! شاید دیگر شما را در این نقطه ملاقات نکنم. شما به زودی بسوی خدا باز می گردید. در آن جهان به اعمال نیک و بد شما رسیدگی میشود. من به شما توصیه می کنم هر کس امانتی نزد اوست باید به صاحبش برگرداند. هان ای مردم بدانید ربا در آئین اسلام اکیدا حرام است. از پیروی شیطان بپرهیزید. به شما سفارش می کنم که به زنان نیکی کنید زیرا آنان امانت های الهی در دست شما هستند و با قوانین الهی بر شما حلال شده اند.

## انتخاب کن ابراهیم (ع)!

## اسماعیلت را می خواهی یا خدا را؟

خدایت "را؟ انتخاب کن! ابراهیم ابتدا تصمیم گرفت که داستانش را با پسر در میان گذارد، پسر را صدا زد، پسر پیش آمد، و پدر، در قامت والای این "قربانی خویش" می نگریست!

«اسماعیل، من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم!»

«پدر! در انجام فرمان حق تردید مکن، تسلیم باش، مرا نیز در این کار تسلیم خواهی یافت و خواهی دید که این شاءالله از صابران خواهم بود»

و پیامی آمد:



«ای ابراهیم! خداوند از ذبح اسماعیل در گذشته است، این گوسفند را فرستاده است تا بجای او ذبح کنی، تو فرمان را انجام دادی»

یعنی که خدای ابراهیم، همچون خدایان دیگر، تشنه خون نیست. این بندگان خدای اند که گرسنه اند، گرسنه گوشت! و از این معنی دارتر، خدا، از آغاز، نمی خواست که اسماعیل ذبح شود، می خواست که ابراهیم ذبح کننده اسماعیل دلش شود، و شد، چه دلیرا دیگر، قتل اسماعیل بیهوده است، و خدا، از آغاز می خواست که اسماعیل، ذبح خدا شود، و شد، چه صبورا!

موسم عید است. ای مسلمان حج گزار، بدان که زمین سراسر حجبی است که تو در آنی و باید با سادگی، و وقوف در جهان درون و بیرون و قربانی کردن همه آرزوهای پوچ دنیوی، خود را برای سفر بزرگ آماده کنی. انسان مسافر چند روزه کاروان زندگی است. سلام بر ابراهیم...

عید قربان که پس از وقوف در عرفات (مرحله شناخت) و مشعر (محل آگاهی و شعور) و منا (سرزمین آرزوها، رسیدن به عشق) فرا می رسد، عید رهایی از تعلقات است. رهایی از هر آنچه غیرخدایی است. در این روز حج گزار، اسماعیل وجودش راه یعنی هر آنچه بدان دلبستگی دنیوی پیدا کرده قربانی می کند تا سبکبال شود. صدای پای عید می آید. عید قربان عید بر آمدن روزی نو و انسانی نو است. و اکنون در منای، ابراهیمی و اسماعیلت را به قربانگاه

آورده ای؛ اسماعیل تو کیست؟ چیست؟ مقامت؟ آبرویت؟ موقعیتت، شغلت؟ پولت؟ خانه ات؟ املاکت؟ ... ؟

این را تو خود می دانی، تو خود آن راه، او را - هر چه هست و هر که هست - باید به منا آوری و برای قربانی، انتخاب کنی، من فقط می توانم «نشانیها» یش را به تو بدهم: آنچه تو راه، در راه ایمان ضعیف می کنی، آنچه تو را در "رفتن"، به "ماندن" می خوانند، آنچه تو را، در راه "مسئولیت" به تردید می افکند، آنچه تو را به خود بسته است و نگه داشته است، آنچه دلبستگی اش نمی گذارد تا "پیام" را بشنوی، تا حقیقت را اعتراف کنی، آنچه ترا به "فرار" می خوانند و آنچه ترا به توجیه و تاویل های مصلحت جویانه می کشانند.

کدامین را انتخاب می کنی ابراهیم؟! خدا را یا خود را؟ سود را یا ارزش را؟ پیوند را یا رهایی را؟ لذت را یا مسئولیت را؟ پدری را یا پیامبری را؟ بالاخره، "اسماعیلت" را یا "...

## آداب و اعمال روز عید قربان

پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - و ائمه معصومین علیهم السلام آداب و اعمالی را برای شب و روز عید سعید قربان ذکر کرده اند. احیا و شب زنده داری در شب عید قربان مستحب است. انس نقل کرده پیامبر خدا فرمود: «من احيائيله العید لم يمتم قلبه يوم يموت القلوب. هر کس شب عید را زنده بدارد دلش روزی که دل ها می میرند نمی میرد.» (وسائل الشیعه ج ۵ ص ۱۳۹ کنزالعمال ج ۸ ص ۲۵۱)

غسل کردن در روز عید قربان و تهلیل و تکبیر و تحمید و تقدیس و آراستگی در این روز مستحب است. عبدالله ابن سنان گفته است امام صادق علیه السلام در تفسیر «آیه زینت» که خدای متعال امر کرده است: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد. ای فرزندان آدم! لباس زینت خویش را در هر عبادتی برگزید» (سوره اعراف آیه ۳۱) فرمودند: العیدان والجمعه. عید فطر و قربان و روز جمعه. خواندن نماز عید قربان در فضای باز بی سقف برای عموم مسلمانان جز حاجی که در سرزمین منا هستند سنت رسول الله است. قربانی کردن و خوردن از گوشت قربانی در روز عید قربان مستحب است. امام باقر علیه السلام فرمودند: امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام در روز عید قربان پیش از خوردن از گوشت قربانی خویش هیچ چیز نمی خورد.

## عید قربان از دیدگاه امام خمینی (ره)

«... مسئله قربانی فرزند به حسب دید نوع بشر، مسئله مهمی است، لکن آن چیزی که مبدأ این عمل می شود، آن چیزی که مقابله مابین پدر و پسر را در آن جا متحقق می کند، این یک مسائل قلبی و روحی و معنوی است، فوق این مسائلی که ماها می فهمیم، ما همین می گوئیم که «ایثار کرد»، «قربانی کرد» و واقعا این طور بوده است، مهم هم هست. لکن آیا در نظر ابراهیم هم ایثار بوده است؟ ابراهیم هم در نظرش این بوده است که حالا یک چیزی، تحفه ای می برد پیش خدا؟ اسماعیل هم (سلام الله علیه) در نظرش بوده که یک جانفشانی دارد می کند برای خدا؟ یا مسئله این نیست. این مسئله ای است که تا نفسانیت انسان هست، خودیت انسان هست، ایثار اسمش هست. من ایثار می کنم در راه خدا فرزندم راه من ایثار می کنم در راه خدا جان خودم را. این، برای ما مهم است و زیاد مهم است، برای ابراهیم نیست مسئله این، ایثار نیست. ابراهیم خودی ببیند تا ایثاری کرده باشد، اسماعیل خودی نمی بیند تا ایثار کرده باشد. ایثار این است که من هستم و تو هستی و عمل من و برای تو و ایثار. این، در نظر بزرگان اهل معرفت و اولیای خدا شرک است، در عین حالی که در نظر ما کمال بزرگی است، ایثار بزرگی است. عید برای ما یک معنا دارد، برای ابراهیم و برای پیغمبرها یک معنای دیگری دارد...»

(صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۷)

## روز قربانی!

## روز دهم، عید قربان آنچه باید در منا و روز عید قربان دانست

با طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه، اعمال اصلی حج شروع می شود. همه از مشعر به منی می روند. منی در لغت به معنای آرزو و تمنا کردن است. امروز سه کار در پیش است، سنگ زدن به شیطان بزرگتر، قربانی و تقصیر. اعمال این روز با رمی جمره عقبه شروع می شود؛ هفت تا سنگ که به سمت ستون آخری (همان که به عقبه معروف است) پرتاب می کنند و برمی گردند به محل اقامتشان در منا. راه چادرهای محل اقامت تا محل ستون های شیطان زیاد است؛ برای همین پیاده روی راه حسابی حاجی های کهنسال تر را خسته می کند.

مرحله دوم اعمال، قربانی است. هر حاجی باید یک گوسفند را قربانی کند؛ حالا یا خودش یا کسی که از طرف حاجی، وکیل و نایب او می شود. ماجرای عید قربان و حضرت ابراهیم (ع) هم وجه تسمیه همین کارهاست. بعد از قربانی، نوبت «حلق» یا «تقصیر» است. مردهای سفر اولی باید همه موهای سرشان را با تیغ بزنند؛ خانم ها هم قسمتی از مو یا ناخن شان را کوتاه می کنند تا ماجرای «تقصیر» هم به خیر و خوشی تمام شود. هر کسی که تقصیر و حلق را انجام داد - با اینکه هنوز همه اعمال، تمام نشده است - می تواند لباس احرام را از تن بیرون کند و لباس معمولی بپوشد.

## توصیه ها:

حکایت محدودیت جا، این جا هم تکرار می شود. باز هم صبور باشید. موقع رمی جمرات، تا جایی که می توانید نزدیک تر شوید تا تیرتان به خطا نرود. فقط مواظب چشم بقیه و البته خودتان هم باشید. حتما تیغ شخصی برای حلق داشته باشید. بهداشت در آن جا جزو مهم ترین چیزهاست. از تیغ زدن سرتان نترسید. این رسم بندگی است. وقتی بدانید برای خاطر خدا دارید این کار را می کنید، حتی کله براق و تیغ داده تان هم برایتان می شود یک دفترچه خاطرات. عکس یادگاری یادتان نرود!

شاعر می گوید: «طلی این مرحله بی همراهی خضر مکن». گوش دادن به توصیه های مدیر کاروان و شنیدن احکام این روزها از روحانی کاروان، برایتان از نان شب هم واجب تر است.



ویژه نامه نشریه زائر ■ بعثه مقام معظم رهبری

## درباره جمرات و رمی جمرات در مناسک حج

## تکبیر بگو، شیطان را سنگ بزن



جبرئیل روز دوم دست آدم را گرفت تا به جمره اولی رسید. ابلیس بر او آشکار شد جبرئیل گفت: هفت سنگ به او بزن و باهر سنگی تکبیر بگو. آدم چنان کرد. ابلیس رفت و دوباره در محل جمره وسطی بر او آشکار شد و به آدم گفت: آهنگ کجاداری؟ جبرئیل گفت: او را هفت سنگ بزن و باهر سنگی تکبیر بگو، و آدم چنان کرد و ابلیس فرار کرد و این عمل را تا چهار روز انجام داد و جبرئیل بعد از آن به آدم گفت: شیطان را بعد از این هرگز نخواهی دید. چون ابراهیم از ساختن خانه خدا فارغ گشت، جبرئیل مناسک و آداب حج را به او آموخت و چون وارد منا شدند و از ناحیه «عقبه» فرود آمدند، شیطان در ناحیه جمره عقبه بر او آشکار شد، جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم هفت بار او را سنگ انداخت و شیطان پنهان شد. دوباره در جمره وسطی بر او ظاهر شد، جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم هفت بار سنگ انداخت و شیطان پنهان شد. برای بار سوم در محل جمره اولی بر او آشکار شد. مجدداً جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم نیز هفت سنگ بر او زد و شیطان مخفی شد. این روایات از طریق ائمه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز نقل شده است و از این نظر از اهمیت بیشتری برخوردار است. چنانکه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: نخستین کسی که «رمی جمار» کرد، آدم بود. بعد از آن جبرئیل نزد ابراهیم آمد و گفت: ای ابراهیم سنگ بزن، ابراهیم به جمره عقبه سنگ انداخت زیرا شیطان نزد جمره بر او آشکار شده بود. روایات دیگر نیز که در زمینه ثواب و آداب رمی جمرات از ائمه معصوم نقل شده است، این معناراً تأیید می‌کند؛ چنانکه از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«هر کس رمی جمره کند، خداوند به پاداش هر سنگی، گناهی از وی پاک می‌کند. چون مؤمن سنگ اندازد، فرشته‌ای آن را می‌گیرد و اگر غیر مؤمن اندازد، شیطان به او ناسزا می‌گوید و می‌گوید: تو سنگ نزدی.»

از این رو جمرات نماد شیطان شمرده می‌شود و سنگ زدن به آنها نوعی اظهار نفرت و انزجار از شیطان محسوب می‌گردد؛ چنانکه در دعای «رمی جمرات» نیز به این معنا اشاره شده است: «الله اکبر اللهم ادر حر عتی الشیطان»؛ «خدایا شیطان را از من دور گردان.»

فقهای شیعه و اهل سنت اتفاق دارند که یکی از واجبات حج و اعمال منا، «رمی جمرات» است. همچنین تعداد سنگها و چگونگی انداختن آنها مورد اتفاق آنان می‌باشد. از کند و کاو در کتب لغت و کلام فقهای سلف و سفرنامه های حج، چنین برمی‌آید که «جمره» نام آن محل و «زمین» است و ستونها فقط علامتند تا «زمین جمره» شناخته شود. «جمره» در لغت به معنای آتش برافروخته و گداخته و همچنین به معنای ریگ می‌باشد و جمع آن «جمار» است. عرب سنگریزه‌ها را نیز «جمار» می‌نامد و محل جمع شدن ریگها در منا را «جمرات» می‌گویند.

جمرات نام سه محل در مناسک است که اگر از سمت مکه، رویه منا برویم، از دامنه کوهی که فاصل میان مکه و مناست، شروع می‌شود، و به طرف عمق منا تا حدود ۲۷۰ متر پیش می‌رود و در زمان ما، هر یک بصورت ستونی چهار گوش است. هر یک از جمرات نامی دارد: به ترتیب از سمت منا رو به مکه، به اولی «جمره اولی» و به دومی «جمره وسطی» و به آخری «جمره عقبه» می‌گویند. شاید علت این نامها این باشد که چون حاجی از مشعر به طرف منا حرکت می‌کند و از دل منا به جانب جمرات روی می‌آورد، نخستین جمره‌ای که به آن می‌رسد، جمره اولی است و سپس جمره وسطی و بعد جمره عقبه.

## سابقه تاریخی رمی جمرات

گفته شد که اعمال حج سرشار از ایما و اشاره به آزمایشها و نیایشهای ابراهیم خلیل (علیه السلام) و از آن جمله «رمی جمرات»؛ یعنی سنگریزه زدن به سه محل یاد شده است که باید روز عید قربان و روز یازدهم و دوازدهم و در مواردی روز سیزدهم ذیحجه انجام گیرد. در برخی روایات، سابقه این عمل تا زمان حضرت آدم کشانده شده و برخی دیگر سابقه تاریخی آن را تا ابراهیم (علیه السلام) می‌رسانند. در مورد حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز سخن به اختلاف است: پاره ای روایات، آن را از تعالیم جبرئیل به ابراهیم هنگام آموزش مناسک حج می‌داند و پاره ای دیگر ظهور شیطان به ابراهیم و سنگ انداختن ابراهیم به او را آغاز بیدایش این عمل معرفی می‌کنند و دسته دیگر، آن را یادآور سنگهایی می‌داند که ابراهیم (علیه السلام) به قوچ قربانی زد. اینک به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: نخستین کسی که «رمی جمار» نمود (به جمرات سنگ انداخت) آدم (علیه السلام) بود. چون خداوند اراده فرمود که آدم را توبه دهد، جبرئیل را نزد او فرستاد، جبرئیل گفت: خداوند مرا نزد تو فرستاده تا مناسکی که بوسیله آن توبه تو پذیرفته می‌شود به تو آموزش دهم و آنگاه او را به مشاعر (عرفات، مشعر و منا) برد. وقتی که خواست او را از منا به طواف خانه خدا آورد، در ناحیه جمره عقبه شیطان بر آدم آشکار گشت و از او پرسید: آهنگ کجاداری؟ جبرئیل به آدم گفت: او را هفت سنگ بزن و با انداختن هر سنگی تکبیر بگو. آدم چنانکه جبرئیل گفت، انجام داد و شیطان رفت.



## روز معرفت

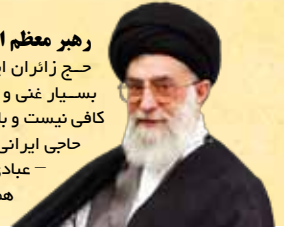
یازدهم/دوازدهم ذی الحجه  
روزهای پایانی تشریق و آنچه  
باید بدانیم

بعد از انجام دادن اعمال عید قربان، حاجی‌ها دوباره باید برگردند به مکه و وظیفه دیگر (طواف، نماز طواف، سعی، طواف نسا و نماز طواف نسا) را انجام بدهند اما چون اعمال در منا هنوز باقی است، بعضی‌ها همان‌جا می‌مانند تا اعمال منا تمام شود. در روزهای ۱۱ و ۱۲ همه حاجیان باید از غروب آفتاب تا نیمه‌شب در منا بمانند و وقوف کنند؛ چه آنهایی که روز عید به مکه رفته‌اند و چه آنهایی که مانده‌اند.

از طلوع تا قبل از غروب آفتاب این ۲ روز هم فرصت باقی است تا حاجی‌ها، دوباره بروند سراغ ستون‌های شیطان و هر کدامشان را با ۷ سنگ، بزنند؛ به عبارت دیگر می‌شود روزی ۲۱ سنگ؛ یعنی ۳ تا ۷ تا. حاجی‌ها بعد از ظهر روز دوازدهم از منا خارج می‌شوند. وقت رمی جمرات سه گانه (سیزدهمین عمل از اعمال حج تمتع) از طلوع آفتاب تا قبل از غروب است سنگباران که تمام شد، اعمال حاجی‌ها در منا هم تمام می‌شود و برمی‌گردند به مکه تا احیاناً اعمال باقی مانده مکه را تمام کنند. اتمام اعمال در مسجد الحرام (طواف، نماز طواف، سعی، طواف نساء و نماز طواف نساء) یعنی پایان اعمال حج. توصیه‌ها

حتماً یک بطری آب کوچک همراه خودتان ببرید. راه زیاد است و هوا گرم. شما هم خسته و تشنه. موقع رمی جمرات و برای سنگ زدن از طبقات دوم و سوم، حتماً با نظر مرجع تقلیدتان هماهنگ باشید. بعضی از مراجع تقلید، سنگ زدن از طبقه بالا را جایز نمی‌دانند. فریب خلوتی آن دو طبقه بالاتر را نخورید. کماکان، به فکر خشک نگه داشتن کشاله‌های ران و جلوگیری از عرق سوز شدن پاهای باشید. حواستان به احکام شرعی وقوف در منا باشد. بعضی‌ها هستند که به خاطر ندانستن این احکام خاص، یک روز بیشتر مجبورند این جاماندگار شوند. هنوز، اعمال تان تکمیل نشده. حواستان باشد که این آخر کاری و قبل از طواف و بقیه اعمال مکه، کار دست خودتان ندهید.

حج زائران ایرانی در مقایسه با ۳۰ سال قبل، بسیار غنی و پربارتر شده است، اما این تحولات کافی نیست و باید به گونه ای عمل کرد که رفتار هر حاجی ایرانی، نشان دهنده رفتار صحیح «فردی - عبادی، اجتماعی و سیاسی» حج - و مظهر همدلی و وحدت امت اسلامی باشد.



دکتر محسن اسماعیلی

۱- عرفه، را روز نیایش نامیده‌اند و به راستی مناسب‌ترین نامگذاری همین است. حج در میان همه عبادت‌ها، پر رمز و رازترین ارتباطی است که بندگان با آفریدگار خود برقرار می‌کنند و همان گونه که در روایات آمده: **حج است و عرفه!** (الحج عرفه)

کسانی می‌توانند «این همانی» عرفه و حج را دریابند که در دل جمعیت خروشان، همسان و وارسته از تمام تعلقات، و در آن صحرای محشر گونه توانسته باشند به سان قطره‌ای در دامن اقیانوس‌های بی‌کران آرام گرفته و شیرینی پیوند با ابدیت را تجربه کرده باشند. اما برکات امروز اختصاصی به آنها ندارد. عرفه روزی است که به فرموده امام سجاد علیه السلام امید آن می‌رود که حتی فرزندان که هنوز در جنین مادران هستند، از فضل و لطف و محبت پروردگار برخوردار شوند. و از این رو است که عارفی همچون میرزا جواد آقای ملکی تبریزی می‌فرماید: «مثل اینکه امروز فقط برای نیایش آفریده شده است، بنابراین باید تلاش کرد تا به اندازه ممکن از این فرصت ارزشمند بهره برد و البته عمده آن است که آدمی ابتدا شرایط استجاب دعا را در خود فراهم آورد.»

این فقیه شوریده دل می‌افزاید:

## با حسین (ع) در عرفه

از دیدار است، پس به جای آن به خدمتی بگمارم که مرا سریع تر به تو رساند. آخر چگونه برای اثبات وجود تو به چیزی استدلال کنند که برای وجود خودش به تو نیازمند است؟ آیا غیر از تو چیزی هم هست تا بخواید وسیله ظهور تو گردد؟! چه وقت نبوده‌ای تا بخواید دلیلی برای بودنت پیدا کنند و چه زمانی دور بوده‌ای تا بخواید به وسیله آثار خود را به تو رسانند؟ کور باد چشمی که تو را همواره همراه خویش نمی‌بیند و زیانکار باد بنده‌ای که از عشق تو بی‌بهره است.»

۴- خوش به حال آنانکه این روز را در صحرای عرفاتند خدا کند که ما را هم از یاد نبرند. امروز هم مانند هزاران هزار روزهای پیشین می‌گذرد و باز هم عرفه‌ای دیگر در سال بعد خواهد آمد اما... «خدایا! ما را در این روز کامیاب، رستگار، مقبول و برنده قرار ده. تو ما را ناامید و دست خالی بازگردان. پروردگارا! از آنچه از بخشش و رحمت و عطای تو امیدواریم دریغ مفرما ... چرا که دستان خود را در حالی به سوی تو گشوده‌ایم که داغ اعتراف ذلیلانه بر آن است.»

**بمنک و کرمک یا ارحم الراحمین.**

کنار «جبل‌الرحمه»، رو به کعبه می‌کند و در حالی که قطره‌های اشک بر محاسن زیبای او می‌غلند آن دعا را زمزمه می‌کند. ابتدا از الطاف و نعمت‌های پروردگارش می‌گوید که حتی پیش از تولد بر او و بر ما ارزانی شده است و سپس از جفاها و خطاهای ما و اینکه در عین حال عشق به پروردگار در همه وجودش موج می‌زند. با دانش بی‌انتها و زبرکی خداداد چیزهایی برای دنیا و آخرت خود می‌طلبد که حیف است نبینیم و نخوانیم.

۳- قسمت پایانی آن نیایش هم بسیار زیبا و دلنشین است که مرحوم سید بن طاووس نقل کرده و در مقاتیح نیز آمده است. گرچه به عقیده برخی، این قسمت از امام نیست، اما خلاصه‌ای است از ناب‌ترین معارف توحیدی که از درک حلاوتش ناکام نباید ماند. خصوصا آنجا که با اشاره به آنانکه می‌خواهند از راه مخلوق به خالق پی ببرند - و البته همین هم کمالی است که باید تمنا کرد - می‌فرماید: «معبودا، اندیشیدن من در آثار تو مایه معطلی و دوری

«اهمیت نیایش در امروز چنان است که امامان بزرگوار از روزه آن (اگر موجب ضعف و سستی در دعا گردد) منع کرده‌اند در حالی که براساس روایات مورد اعتماد و صحیح روزه عرفه کفار نود سال گناه است» (المراقبات، ص ۲۲۹)

۲- دعا یعنی سخن گفتن با خدا و با خود. راز گفتن است و نیاز خواستن و این با هر زبان حال و قالی ممکن است. در چنین حالتی شاید داستان موسی و شیبان هم صادق باشد و بتوان با حافظ نیز هم عقیده شد که:

**هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید**

**بلبل به نوا خوانی و قمری به ترانه**  
با این حال، «دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه» چیز دیگری است که بی‌بهره ماندن از آن بدون تردید «خسران مبین» است. داستان دل دادگی و شیفتگی است و به عقیده من حماسه عاشورا تنها کارگاه عملی درس‌هایی است که در این نیایش بی‌همتا به ما آموخته‌اند. آنگونه که راویان گفته‌اند: حسین، یعنی مظهر و مجمع همه خوبی‌ها، در عصر این روز به همراه نزدیکان و دوستانش در



**نقشه مسیر حرکت حجاج**

همه چیز از سفر به عرفات شروع می‌شود. حاجیان دسته دسته و گروه گروه به سمت صحرای عرفات به راه می‌افتند، جایی که خارج از محدوده حرم است. بعد؛ توقف در عرفات و سپس سفر بازگشت و وقوف در مزدلفه و اعمال منا که با قربانی کردن و رمی جمرات به پایان می‌رسد. و در آخر حاجی‌ها دوباره به مسجدالحرام باز می‌گردند تا پس از عهده‌ای که با خداوند بسته اند یک بار دیگر طواف کنند و نماز بخوانند و سعی کنند.